

The semiotic study of "Strong Iran" in the speech of Ayatollah Khamenei

Ahmad Biglari

Assistant Professor, Faculty of Administrative Sciences and Economics,
Arak University, Arak, Iran.

Email: a-biglari@araku.ac.ir

Abstract

Now and in the early years of the 15th solar century, due to various internal and external reasons, the position of Iran and the opportunities and threats facing it are considered a key issue in all affairs of the country. The key word "Strong Iran" which has been emphasized many times by the Leader of the Islamic Revolution in recent years and has enjoyed a high frequency in his speeches, in Iran's historical "now" in facing the said issue, it can be reread as a basic "strategy". Therefore, in the present article, I try to read this keyword and its semantic fields from a semiotic point of view, in the statements of Ayatollah Khamenei and based on his intellectual principles. In a semantic relationship, signs such as strong manager, strong nation, national spirit and self-confidence, endogenous authority, resistance economy, science, and ethics and faith can be received as key words around the semantic field of Strong Iran in Ayatollah Khamenei's speech.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Political thought, Strong Iran, Semiotics.

نشانه‌شناسی «ایران قوی» در گفتار آیت‌الله خامنه‌ای

احمد بیگلری

عضو هیئت‌علمی (استادیار) گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران.
Email: a-biglari@araku.ac.ir

چکیده

اکنون و در سال‌های آغازین سده پانزدهم خورشیدی، بنا به علل و دلایل گوناگون داخلی و خارجی، جایگاه ایران و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی آن مسئله کلیدی در همه شئون کشور به‌شمار می‌رود. کلیدواژه «ایران قوی» که در سال‌های اخیر از سوی آیت‌الله خامنه‌ای بارها مورد تأکید قرار گرفته و در سخنان ایشان از بسامد بالایی برخوردار گشته، می‌تواند به‌عنوان یک «راهنبرد» اساسی در «اکنون» تاریخی ایران در مواجهه با مسئله مزبور، مورد بازخوانی قرار گیرد. از این‌رو، در نوشتار حاضر از منظری نشانه‌شناسانه، در منظومه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و بر مبنای اصول فکری ایشان، این کلیدواژه و حوزه‌های معنایی آن خوانش شده است. در یک نسبت معنایی می‌توان نشانه‌هایی همچون مدیر قوی، ملت قوی، روحیه و اعتمادبه‌نفس ملی، اقتدار درون‌زا، اقتصاد مقاومتی، علم، اخلاق و ایمان را به‌مثابه کلماتی کلیدی حول میدان معنایی ایران قوی در گفتار آیت‌الله خامنه‌ای دریافت کرد.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، اندیشه سیاسی، ایران قوی، نشانه‌شناسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، صص ۳۱-۵۲



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi: 10.22034/RIR.2024.201626

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

مفهوم قدرت و «قدرت ملی»^۱ و نحوه ارتقا و افزایش آن، یکی از مسائل اساسی سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل است که از سوی کنشگران سیاسی همواره دنبال می‌شود. در این راستا، در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، با توجه به سیطره پارادایم دولت - ملت، مقوله «قدرت ملی» به‌عنوان نشانه‌ای کلیدی در «فضای دلالت‌گری»^۲ به دیگر مفاهیم و مؤلفه‌ها معنا می‌بخشد. نظر به جدیدبودن و وارداتی بودن مفهوم «ملیت» و به‌تبع آن، قدرت ملی و دیگر مفاهیم در این حوزه معنایی، از ابتدای شکل‌گیری نظام سیاسی جدید در ایران (مشروطیت)، نظام معنایی ایرانی - اسلامی در حوزه سیاسی با ابهاماتی مواجه بوده است. با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، رهبران فکری انقلاب کوشش کرده‌اند با بازخوانی مفاهیم موجود و یا طرح نشانه‌ها و واژگان جدید، بر ابهامات نظری فائق آمده و راهبردهای مناسب را ترسیم و پیگیری نمایند.

عبارت «ایران قوی» در سال‌های اخیر از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، چندین بار مطرح شده است. از نظر ایشان «ایران قوی یک شعار عمومی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱/۱). ایشان در فضای مفهومی و دلالت‌گری این عبارت کلیدی، مفاهیم و مقولات دیگری را مورد تأکید قرار داده و به نظر می‌رسد راه برون‌رفت کشور از مشکلات داخلی و خارجی از یک‌سو، همچنین گام‌نهادن در مسیر «تمدن نوین اسلامی» از سوی دیگر را درگرو تحقق ایران قوی می‌دانند. بنابراین، بررسی منطقی درونی کنش‌های گفتاری آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یک اندیشمند مذهبی - سیاسی در زبان سیاسی - انقلابی کنونی جامعه ایرانی با توجه به مقوله قدرت ملی، امری ضروری و پُراهمیت به‌شمار می‌رود. در این مقاله تلاش شده از برخی امکانات روش‌شناختی نشانه‌شناسی به‌مثابه رهیافت پژوهش بهره گرفته تا بتوان دلالت‌های معنایی مفهوم ایران قوی را در افق فهم خود خوانش کرد. از این‌رو، پس از مرور اجمالی پیشینه بحث، درباره نشانه‌شناسی و نحوه استفاده از آن در مطالعه اندیشه سیاسی توضیحاتی ارائه خواهد شد و سپس با مطالعه گفتار آیت‌الله خامنه‌ای در

1. National Power

2. Sphere of Significance

مواردی که از «ایران قوی» و مفاهیم «مکمل»^۱ و گاه «متضاد»^۲ آن، استفاده شده، به شرح مفروض مقاله از اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای خواهیم پرداخت.

۱. پیشینه پژوهش

درباره مقوله قدرت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مقالاتی وجود دارد. اغلب منابع مزبور تلاش کرده‌اند تا از زاویه دید مسئله خود، شاخص‌هایی را استخراج کرده و آن‌ها را در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای دنبال نمایند. به‌عنوان نمونه: نیکام و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی شاخص‌های اقتدار ملی جمهوری اسلامی در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و آن‌ها را در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی، نظامی و اقتصادی استخراج نموده‌اند. پورمنافی و همکاران (۱۳۹۷) به شکلی خاص‌تر، مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی را در نسبت به قدرت ملی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای واکاوی کرده‌اند و قنبری و همکاران (۱۳۹۵) بر تأثیر مؤلفه‌های دفاعی-امنیتی در استحکام درونی قدرت ملی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تمرکز کرده‌اند.

اما در این مقاله، تلاش خواهیم کرد با زاویه دید متفاوت، مقوله قدرت ملی را در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مورد کنکاش قرار دهیم. تفاوت اساسی این کار با نمونه‌های مشابه در آن است که از ابتدا به استخراج شاخص نپرداخته، بلکه متن تولیدی آیت‌الله خامنه‌ای را به‌مثابه یک «گفتار» در نظر گرفته‌ایم که حاوی «نشانه‌هایی» است. این نشانه‌ها در تعاطی با «زبان»، حول نشانه کانونی «ایران قوی» میدانی معنایی پدید می‌آورند که پیرامون آن، کلماتی کلیدی قرار دارند و آن کلمات کلیدی، شاخص‌های قدرت ایران از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به‌شمار می‌روند.^۳

1. Complementary

2. Contrary

۳. درباره دانش‌واژه‌هایی مثل گفتار، زبان، میدان معنایی و نشانه در بخش روش‌شناسی توضیحات مکفی ارائه شده است.

۲. چهارچوب نظری

در مقاله حاضر به لحاظ روش‌شناسی از رهیافت «نشانه‌شناسی»^۱ استفاده می‌شود. نشانه‌شناسی علمی است که در آن قلمرو «نشانه»^۲ و «معنا»^۳ مطالعه می‌شود. مفروض این دانش آن است که انسان‌ها در قالب نشانه‌ها، اعم از زبانی و غیرزبانی، می‌اندیشند، احساس می‌کنند و اساساً در جهانی سرشار از نشانه‌های زبانی زندگی می‌کنند (دینه‌سن، ۱۳۸۰، ۱۱-۱۲). اما چرا از میان رویکردهای مختلف در علوم تفسیری، نشانه‌شناسی انتخاب گردید؟ در پاسخ باید گفت مسئله این مقاله، حول معنای مفهومی خاص (ایران قوی) در نظام اندیشه‌ای یک متفکر است. لذا باید واژه‌های دال بر آن مفهوم - به‌عنوان یک نشانه - را در پیوند با دیگر مفاهیم و نشانه‌ها، یعنی در ساختار متشکل از روابط معنایی و موقعیت‌ها مورد پرسش قرارداد. بنابراین، در این نوشتار نحوه تقرب به موضوع نیازمند رویکردی کل‌نگرانه است که درعین حال، دغدغه نحوه تولید و گردش معنا در یک نظام معنایی یا فرهنگ را داشته باشد.

در اینجا باید به تفاوت نشانه و دال توجه داشت. «نشانه» برخلاف «دال» که تهی است، امری پُر محسوب می‌شود. همبستگی میان دال با یک معنا و مدلول، جهت‌گیری خاصی پیدا می‌کند که سبب پیدایش نشانه می‌گردد. مدلول امری مفهومی است نه یک شیء واقعی. بنابراین ضمن فرایند دلالت، معنا می‌یابد. پیامد این تلقی از مدلول، اهمیت‌یافتن «تفکر مفهومی» است. بنابراین، در نشانه‌شناسی تمرکز اصلی بحث بر «تحلیل مفاهیم» خواهد بود. این امر بدان معناست که در تحلیل نشانه‌شناسانه باید عناصر مادی هم به‌صورت مفهومی بازسازی شوند تا از بار معنایی برخوردار باشند. با توجه به قراردادی و اجتماعی بودن، مفهوم یک «واقعیت فرهنگی» است که به کمک نشانه بیان می‌شود (معینی علمداری، ۱۳۸۰: ۲۷-۳۰). بنابراین، معنای نشانه‌ها را باید در فرهنگ یا به یک تعبیر در نظام معنایی به دست آورد.

-
1. Semiotics/ Semiotic/ Semiology
 2. Sign
 3. Meaning

فرهنگ ایرانی- اسلامی معاصر نوعی نظام معنایی متداخل از نشانه‌ها و مفاهیم ایرانی، اسلامی و جدید (مدرن) است که هر پایه هویتی آن بر لایه‌های معنایی مفاهیمش می‌افزاید. به‌طور خاص، هویت اسلامی فرهنگ ایران معاصر دربردارنده بخشی از نظام معنایی (فرهنگ) اسلامی است که نشانه‌هایی را شامل می‌شود که در آن، واژگان قرآنی و «دستگاه‌های پساقرآنی»^۱ ذخیره معنایی بالایی بدان بخشیده است و به‌مثابه یک نظام مانند «زبان» عمل می‌نماید. به همین صورت، ورود مفاهیم سیاسی مدرن به فرهنگ ایرانی از مشروطیت به بعد، نشانه‌های جدیدی تولید کرده و معنای نشانه‌های از پیش موجود در فرهنگ ما را متحول ساخته است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که کنشگران زبانی چه نقش و سهمی در آفرینندگی معنا دارند؟ در پاسخ باید به تفکیک دو وجه زبان توجه کرد.

۲-۱. تفکیک گفتار از زبان

فردینان دو سوسور، یکی از پایه‌گذاران زبان‌شناسی نوین و نشانه‌شناسی است که در بحث از مقولات زبانی، وجه فردی زبان را از وجه اجتماعی آن تفکیک نموده است. او معتقد است که زبان به‌طور توأمان از یک دستگاه ثابت و یک تحول تشکیل شده، و در هر لحظه، نهادی امروزی و محصولی از گذشته است. وی وجه فردی زبان را «گفتار» می‌نامد و وجه اجتماعی آن را «زبان». باوجودی که گفتار حاصل عملکرد سخنگوی به یک‌زبان است و بنابراین، عملی فردی، ارادی و هوشمندانه تلقی می‌شود، اما زبان (در مقابل گفتار)، عملکرد سخنگو نیست، بلکه محصولی است که فرد منفعلانه آن را ضبط می‌کند. به باور سوسور، زبان، بخش اجتماعی قوه نطق و خارج از اراده فرد است به‌گونه‌ای که فرد برای فراگرفتن طرز کار آن، نیاز به دوره یادگیری دارد (دوسوسور، ۱۳۷۸: ۳۸-۴۴).

درواقع، زبان در مقابل گفتار، نظام یک‌زبان به معنای عام است؛ یعنی نظامی از صورت‌ها و نقش‌ها که برحسب روابط از یکدیگر متمایز می‌گردند. اما گفتار همان سخن واقعی است، یعنی عمل سخن‌گفتن از طریق زبان؛ بنابراین، گفتار وجه عملی زبان است. در این معنا، زبان یا نظام زبانی موضوعی منسجم و قابل تحلیل علمی

۱. دانش‌های مختلف اسلامی شکل‌گرفته در تمدن اسلامی در یک رابطه بینامتنی با قرآن کریم.

است. بدین ترتیب، در شناخت اندیشه متفکران دینی باید توجه داشت هر یک از این متفکران تلاش می‌کنند در چهارچوب فرهنگ و نظام معنایی که به واژه‌های مورد نظرشان معنی می‌بخشد اندیشه‌ورزی کرده و کنش‌های متأملانه داشته باشند؛ یعنی با خوانش نصوص مقدس دینی و نیز سنت برخاسته از آن، در لحظه‌هایی از تاریخ، خلاقیت‌هایی پدید آورند که بعضاً سبب افزودن به معنای نسبی مفاهیم می‌گردد.

۲-۲. ساخت معنا

سؤال مهم در بررسی نشانه «ایران قوی» در نظام معنایی ایران معاصر (فرهنگ ایرانی اسلامی نوین) آن است که این نشانه چگونه در نظام نشانه‌شناختی یک متفکر مسلمان معنا می‌شود؟ در واقع، نحوه ساخت معنا در نسبت با سایر نشانه‌ها، یعنی در کلیت نظام نشانه‌شناختی و نیز با تاریخ مورد توجه است. از نگاه سوسور، معنا ارزشی است که نظام زبان به یک واژه اعطا می‌کند. نگاه سوسور به ماهیت زبان کاملاً ساخت‌گرایانه بوده و از مشکلات این رویکرد رنج می‌برد. این دیدگاه بر اثر جرح و تعدیل‌های بعدی توسط سایر زبان‌شناسان و معناشناسان از مکاتب گوناگون، اصلاح گردید. در نگاه ساخت‌گرایانه تمامی معانی در یک‌زبان، باهم در یک رابطه شبکه‌ای به سر می‌برند. کلمات در ترکیب باهم، معنای یکدیگر را مشخص و معین می‌سازند. نحوه توزیع روابط معنایی در این شبکه تفاوت میان زبان‌ها را به وجود می‌آورد. بنابراین، اگر معنای جدیدی برای کاربران زبان نیاز باشد، شبکه آن را به وجود می‌آورد و یا در صورت عدم نیاز به یک معنای خاص، آن معنا به‌مرور فراموش می‌گردد. اما بحث بر سر نحوه معناسازی در شبکه است (پاکتچی، بی‌تا). باید توجه داشت هر اندازه هم که یک‌زبان غنی و سرشار از واژه‌ها باشد، بازهم نمی‌تواند برای همه دستگاه‌ها و نظام‌های معنایی، دسته‌ای از کلمات تازه و متفاوت به وجود آورد. از این‌رو، ناگزیر است از عناصر و واژه‌های مشترک میان نظام‌های معنایی بهره‌گیری نماید (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۵۲). بدین ترتیب، معنا در وجه ارتباطی میان عناصر و واژگان دستگاه‌ها و نظام‌های معنایی ساخته‌شده و بسط می‌یابد.

«لوئیس یلمسلو»^۱ زبان‌شناس، برخلاف سوسور که امور زبان را از پیش موجد دانسته و معتقد است کاربر زبان فقط آن‌ها را می‌آموزد، بر آن است که بسیاری از کاربران زبان عملاً در زبان دست به آفرینندگی می‌زنند. وقتی کلماتی نخستین‌بار در معنایی به کار برده می‌شوند، اگر این کاربرد تکرار پیدا کند، زبان دچار تحول می‌گردد. سازوکار تحول‌پذیری زبان، کاربرد آن توسط کاربران است. بنابراین، از دیدگاه یلمسلو، معنا مانند تلقی سوسور یک معنای پیشینی نیست، بلکه معنای کاربردی است. آنچه یک معنا را در زبان تثبیت می‌نماید، تکرار کاربرد آن است. یلمسلو با بهره‌گیری از اصطلاح semiosis که ترکیب simon یونانی به معنای نشانه با process است، برای نخستین‌بار با تکیه بر عنصر کاربرد در ساخت معنا، بر «فرایندی بودن» ساخت معنا تأکید کرده، با قراردادی بودن آن مخالفت می‌ورزد. این امر منطقاً ساخت معنا را به صورت «در زمان»^۲ در نظر می‌گیرد. نتیجه آن خواهد بود که برخلاف رویکرد سوسور که ارزش چندانی برای مطالعه در زمانی معنا در نظر نمی‌گرفت، از دیدگاه یلمسلو، ساخت معنا اساساً در زمان اتفاق می‌افتد و نمی‌توان زمان را از مطالعه معنا کنار گذاشت. از این‌رو، معناشناسی (به‌عنوان شاخه‌ای از نشانه‌شناسی) به دنبال مطالعه یک فرایند است که زمان در آن لحاظ می‌گردد. معناشناسی می‌خواهد شرایط تولید و دریافت معنا در مقام بیان را مطالعه کند و نه یک معنای از پیش موجود را (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۸).

در اینجا شبکه‌ای دیدن معانی و نسبت میان آن‌ها، این امکان را فراهم می‌آورد تا شبکه معنایی را به مثابه یک جغرافیا در نظر بگیریم که نسبت اجزای گوناگون آن به یکدیگر را می‌توان در قالب یک نقشه جغرافیایی سنجید. بنابراین، در معناشناسی ساخت‌گرا، حرکت در درون زبان صورت می‌گیرد. اما در صورتی که بخواهیم نگاهی بیرونی به اجزای زبان داشته باشیم، رجوع به مکتب «معناشناسی قومی یا فرهنگی» که به کارکردهای اجتماعی می‌پردازد مفید خواهد بود. در این رویکرد، معنا همواره در نسبت با آنچه در جامعه رخ می‌دهد و تحقق می‌یابد. لذا باید با لحاظ آن به

1. Louis Hjelmslev
2. Diachronic

مطالعه و ارزیابی معنا مبادرت کرد. «توشی‌هیکو ایزوتسو»^۱ کوشش کرده این دو رویکرد را با هم ترکیب نماید (پاکتچی، بی‌تا).

۲-۳. حوزه / میدان معناشناختی

حوزه یا میدان «معناشناختی»^۲ عبارت است از مجموعه‌ای کلی از کلمات «که در الگویی معنی‌دار مرتب‌شده و دستگامی از تصورها و مفاهیم مرتب‌شده و ساخته‌شده بنا بر اصل سازمان‌تصوری [و مفهومی] را نمایش می‌دهد.» در واقع، کلمات پیوسته و در ارتباط با یکدیگر از جهات متعدد و گوناگون، قلمروهایی را به وجود می‌آورند که در جاهایی بر روی هم قرار گرفته و تداخل می‌نمایند. مجموعه این روابط را ایزوتسو «میدان معنی‌شناختی» و یا «حوزه معنی‌شناختی» نام می‌نهند. هر میدان معنی‌شناختی، یک حوزه مفهومی مستقل را نشان می‌دهد (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۲۵). هر میدانی حول یک واژه کلیدی شکل می‌گیرد. این واژه‌های کلیدی اغلب چندساختی هستند و بر اساس اصل تحول مفاهیم، در رابطه با میدان‌های دیگر و نیز جامعه، ممکن است بر مؤلفه‌های آن‌ها افزوده و یا از آن کاسته شود. بنابراین، ضرورت دارد که در مواجهه با یک مفهوم به زوایای گوناگون آن توجه نمود. گاهی برخی از کلمات کلیدی به چند میدان معناشناختی تعلق دارند که در حوزه‌های گوناگون سبب شکل‌گیری روابط معناشناختی متفاوت گردیده و پیچیدگی نظام معنایی را افزایش می‌دهند (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۳۲).

۳. روش پژوهش

ایزوتسو، مستشرق ژاپنی با استفاده از روش معناشناسی در حوزه اندیشه قرآنی و اسلامی، الگویی نشانه‌شناسانه را به کار برده است. وی با استفاده از تحلیل «کلمات کلیدی» قرآن کریم به‌مثابه یک متن منسجم، تلاش کرده به شناخت جهان‌بینی نهفته در آن دست یابد (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۴). در نوشتار حاضر تلاش شده تا از برخی امکانات روش‌شناختی الگوی ایزوتسو، به‌خصوص مفهوم «میدان‌های معنایی» بهره گرفته شود.

1. Toshihiko Izutsu
2. Semantic field

از دیدگاه وی، «کلمات کلیدی» در دانش‌های برخاسته از یک جهان‌بینی، با اصطلاحات فنی در آن دانش‌ها متناظر است. به‌عنوان نمونه، اصطلاح «ایمان» در دانش کلام اسلامی یکی از کلمات کلیدی محسوب می‌گردد. بنابراین، تاریخ آهر نوع اندیشه‌ای نظیر [تفکر کلامی از نگاه معناشناختی، یعنی تاریخ اصلاحات فنی و جریان شکل‌گیری و بسط آن‌ها طی قرون و اعصار (ایزوتسو، ۱۳۸۹: ۲۹۵). از منظری که ایزوتسو به فضایا نگاه می‌کند، دغدغه معنی‌شناسی عبارت است از تاریخ اندیشه‌ها (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۶). این تصریح از سوی او، مؤیدی است بر درستی اتخاذ چنین رویکردی در پژوهش حاضر که سودای اندیشه‌شناسی دارد.

هیچ کلمه کلیدی‌ای به‌تنهایی و جدای از سایر کلمات کلیدی که از نظر اهمیت در مراتب گوناگونی قرار گرفته‌اند، بسط نمی‌یابد. بنابراین، برای فهم معنای مفاهیم باید واژه‌های دال بر آن‌ها را در یک منظومه معنایی و نشانه‌ای لحاظ کرد و نه به‌صورت منفرد و مجزا. نحوه آرایش کلمات کلیدی و قلمرو معنایی حول هر یک در مجموع، سازنده جهان‌بینی نهفته در هر نظام معنایی است (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۲۲). کلمات و نشانه‌های کلیدی در درون هر نظام معنایی و نشانه‌شناختی، باردار از ارزش‌های فلسفی آن نظام هستند و بر اساس مغناطیس معنایی آن ارزش‌ها، حول خود میدان‌های معنایی خاصی را پدید می‌آورند.

۴. مفاهیم کلیدی

«ایران قوی» به‌عنوان کلمه کانونی در «گفتار» آیت‌الله خامنه‌ای، به لحاظ فضای دلالت‌گری و در حوزه «زبانی» با مفاهیمی همچون «قدرت ملی» و «اقتدار ملی» در یک میدان معنایی قرار می‌گیرد. در اینجا ضروری است به‌صورت اجمالی، «قدرت ملی» که واژه‌ای رایج در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به‌شمار می‌رود به‌صورت مفهومی تحلیل شود تا پس از استخراج مؤلفه‌های مفهومی آن، حوزه و میدان مفهومی مورد نظر شفاف‌تر گردد.

۴-۱. قدرت ملی

قدرت ملی مفهومی است که بیشتر در حوزه سیاست بین‌الملل به‌کاربرده می‌شود. این مفهوم در بستر پارادایم واقع‌گرایی در عرصه روابط بین‌الملل به حوزه سیاست

بین‌الملل وارد شده و بر این پیش‌فرض استوار است که اساساً سیاست بین‌الملل فرایند مبارزه برای قدرت میان دولت - ملتها است که در آن، هر دولتی به دنبال تأمین اهداف و مقاصد مورد نظر خود از منافع ملی است. به دلیل فقدان حاکمیت به‌مثابه اراده برتر در عرصه روابط بین‌الملل که بتواند ارزش‌ها را بین دولت‌ها به‌صورت اقتدارآمیز و آمرانه‌ای تخصیص دهد هر دولت - ملتی (کشوری) تلاش می‌کند از طریق افزودن بر قدرت ملی خود، منافعش را در سیاست بین‌الملل دنبال نماید. بدین ترتیب، واقع‌گرایی روایتی دولت‌محور از جهان ارائه می‌دهد که در آن، دولت در مرکز روابط بین‌الملل قرار دارد (Brown and Kirsten, 2005: 63).

در ساده‌ترین تعریف می‌توان قدرت ملی را ظرفیت یا توانایی یک کشور در نظر گرفت که با استفاده از آن می‌تواند اراده خود را به اطاعت سایرین به‌نوعی تحمیل نماید. این امر ظرفیت استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور نسبت به کشورهای دیگر را دربرمی‌گیرد. بنابراین، یک کشور قادر است با استفاده از قدرت ملی، رفتار کشورهای دیگر را مطابق با اراده خود کنترل کند. «هانس مورگنتا» به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان اصلی در سنت واقع‌گرایی، قدرت سیاسی را رابطه‌ای روانی میان کسانی می‌داند که قدرت را اعمال می‌کنند یا قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود. بنابراین، دولت‌ها به‌عنوان بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل، در چهارچوب قدرت [ملی] خود دارای انتخاب‌های سیاسی محدودی هستند: «حفظ وضع موجود»، «افزایش قدرت» و «نمایش قدرت» (قوام، ۱۳۸۲: ۵۹).

اساساً قدرت ملی برخاسته از منابع و نیز بر اساس مجموعه‌ای از عناصر شکل می‌گیرد. این عناصر در بدو امر، همان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دولت ملی (سرزمین، مردم، حاکمیت و حکومت) هستند که برآیند ویژگی‌های هر یک، قدرت ملی را ترسیم می‌نماید. برخی از این مؤلفه‌ها کمی هستند و دسته‌ای دیگر، کیفی. برخی مادی و ملموس هستند و برخی دیگر، غیر مادی و نامحسوس. بنابراین، سنجش مقوله قدرت ملی امری دشوار است. با این‌همه، شاید بتوان در سیاست داخلی، فهرستی از توانایی‌ها را مشخص نمود که نفوذ صاحبان قدرت بر تعداد زیادی از مردم و تصمیم‌گیری‌های مهم مربوط به عموم را تا حدی ممکن می‌سازد. «رابرت دال» عوامل ملموسی نظیر پول، ثروت، اطلاعات، زمان، متحدان سیاسی، موقعیت رسمی و کنترل مشاغل و

عوامل غیرملموسی همچون شخصیت و خصلت‌های رهبری را از این دست برمی‌شمارد (هالستی، ۱۳۸۰: ۲۵۷). برخی از عواملی که از نظر اکثر محققان، عناصر قدرت ملی تلقی می‌شوند عبارت‌اند از: جغرافیا، منابع طبیعی، جمعیت، رهبری، کیفیت حکومت، میزان توسعه اقتصادی، ظرفیت صنعتی، فناوری، ارتش، ایدئولوژی، شخصیت و روحیه ملی، دیپلماسی، حمایت خارجی و باین‌همه، قدرت ملی، یک وضعیت ایستا یا مرحله ثابت نیست، بلکه یک پیوستار بسیار پویاست.

به‌هرحال، همه عناصر قدرت ملی از طریق شبکه پیچیده‌ای از علت‌ها و معلول‌ها به یکدیگر وابسته هستند. بسته به موقعیت جغرافیایی یک ملت و روابط با سایر ملل، قدرت در چند عنصر می‌تواند کمبود را در بقیه بپوشاند. و به‌عکس، کمبود چند عنصر حیاتی می‌تواند همه عناصر دیگر را بی‌ثمر و خنثی نماید. به باور نگارنده، در اینجا بحث مزیت نسبی در عناصر قدرت ملی مطرح می‌شود. بنابراین، قدرت ملی، مفهومی پیچیده و وابسته به زمینه است. ترکیب خاص عناصر ملی ممکن است یک ملت را در یک نقطه از جهان یا در مقطعی از زمان به یک دولت - ملت قوی و یا حتی ابرقدرت تبدیل کنند، اما در شرایطی دیگر، به دولتی متوسط و یا ضعیف فروکاهد. اساساً قدرت ملی یک مفهوم نسبی است و به این‌که کشورهای دیگر چقدر خوب عمل می‌کنند بستگی دارد. قدرت واقعی یک ملت همیشه نسبت به همسایگان، رقبا، دشمنان و ... سنجیده می‌شود.

اگر سه کارکرد اصلی «امنیت»^۱، «نمایندگی»^۲ و «رفاه»^۳، روایت جامعی از کارکردهای دولت را بازنمایی کنند، میزان موفقیت یک دولت در برآورده‌ساختن این مسائل، بر قدرت آن می‌افزاید. درواقع، از منظری نقضی و در نقطه مقابل دولت قوی، دولت ضعیف و در مراتب ضعف شدید، «دولت شکننده»^۴ قرار دارد که نمی‌تواند کارکردهای سه‌گانه را به‌درستی انجام دهد. این سه کارکرد در نقطه مقابل سه‌گونه شکاف، سبب ضعف و شکنندگی دولت می‌گردد: «شکاف‌های اقتدار»^۵ شامل نبود امنیت و حفاظت اولیه از شهروندان و دارایی‌ها و ناتوانی در اعمال اقتدار در سراسر

-
1. Security
 2. Representation
 3. Welfare
 4. Fragile state
 5. Authority gaps

قلمرو سرزمینی می‌شود. «شکاف‌های خدمات»^۱، ناظر به کمبود خدمات اولیه مانند بهداشت، آموزش، آب و زیرساخت‌ها و همچنین نبود فرصت اقتصادی و رفاه برای اکثر شهروندان است. «شکاف‌های مشروعیت»^۲، معطوف به ناتوانی در ایجاد دولت پاسخگو و مسئولیت‌پذیر، حمایت از حقوق اولیه از طریق عدالت یا نمایندگی همه شهروندان است (Brinkerhoff, 2016: 8). با این تفصیل، قدرت ملی مقوله‌ای است که بستگی بالایی به حکومت دارد. لذا شاخص‌های سنجش میزان قدرت ملی نوعاً به توانایی‌های حکومت‌ها مربوط می‌شوند.

۴-۲. اقتدار ملی

اقتدار مقوله‌ای است که گاه با قدرت خلط می‌شود. در ادبیات علوم سیاسی و حقوق عمومی، اقتدار در واقع، قدرت مشروع و مبتنی بر رضایت است. بنابراین، قدرت اعم از اقتدار است. هر اقتداری، قدرت به‌شمار می‌رود اما هر قدرتی، اقتدار نیست. به تعبیر رنویک و سوین‌برن، اقتدار، کیفیتی است که دارنده آن بتواند افراد را به‌گونه‌ای به انجام خواست خود وادارد که آن‌ها فکر کنند او (فرد یا گروه) «حق دارد» به آن‌ها بگوید چه کاری انجام دهند. کسانی که صاحب اقتدار هستند به این دلیل مورد تبعیت قرار می‌گیرند که جامعه باور دارد آن‌ها نیازی را در جامعه یا نظام سیاسی برآورده می‌کنند. بنابراین، اقتدار با «احترام»^۳ پیوند خورده است و با ایجاد مشروعیت، نتیجتاً به قدرت می‌انجامد (Renwick and Swinburn, 1987: 68).

۵. نشانه کانونی ایران قوی به‌مثابه راهبرد کلان

در سال‌های اخیر، آیت‌الله خامنه‌ای چندین بار عبارت کلیدی «ایران قوی» را مطرح کرده‌اند. از جمله در نوروز ۱۴۰۰ بیان داشتند: «... ایران قوی یک شعار عمومی است... خب حالا این قوت را چه کسی به ایران می‌بخشد؟ همان‌طور که عرض کردیم، ملت و حضور ملت و مشارکتشان - هم اصل مشارکتشان، هم اندازه مشارکتشان - مسلماً در این قوت ملی تأثیر دارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱/۱). به باور رهبری، در بحث ظرفیت‌های سرزمینی، «وسعت کشور، همسایگان متعدد، قرار گرفتن در مسیر

1. Service gaps
2. Legitimacy gaps
3. Respect

ترانزیت شرق به غرب و شمال به جنوب» و در موضوع ظرفیت‌های انسانی «جمعیت جوان، تحصیل کرده و آماده کار» از جمله واقعیاتی است که در کنار منابع طبیعی سرشار، ثروت‌های خدادادی زیرزمینی و زیرساخت‌های مهم ایجادشده در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، می‌تواند ایران را به کشوری پیشرفته تبدیل کند که هیچ‌گونه تحریمی بر آن اثر نداشته باشد. در واقع، آنچه بیش از توان دفاعی و قدرت دیپلماسی زمینه‌ساز اقتدار کشور است، خود مردم و هوشیاری و پُرانگیزه و سرپا بودن آن‌ها است. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، اصل مشارکت مردم و همچنین میزان حضور مردم در انتخابات از عوامل اصلی تأثیرگذار در اقتدار ملی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱/۱). اما سؤال این است که در میدان معنایی «ایران قوی» به‌مثابه کلمه کانونی، کدام واژگان کلیدی قرار دارند؟ با بررسی گفتار آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان شاخص‌های مدنظر ایشان درباره قدرت و اقتدار ملی را به‌عنوان کلمات کلیدی در میدان معنایی ایران قوی شناسایی کرد و به‌صورت شبکه‌ای، مضامین دیگری را دریافت نمود.

۵-۱. ظرفیت‌های خوب و نیاز به مدیر قوی

از شاخص‌های راهبرد ایران قوی، «مدیر قوی» است. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به‌خصوص در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری می‌توان این نشانه را مشاهده نمود. همچنین در دیدار با مسئولان کشور به‌خصوص مسئولان اجرایی همچون استانداران بر اهمیت مدیر تأکید داشته‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۱۲/۸). مفروض کلیدی ایشان آن است که ایران از ظرفیت‌های فراوانی در حوزه‌های مختلف برخوردار است و با مدیریت قوی می‌توان آن‌ها را شکوفا نمود. در واقع، مدیریت قوی به‌مثابه ابزاری نیرومند در راستای راهبرد ایران قوی تفسیر می‌شود.

اما ظرفیت‌های ایران به اذعان کارشناسان، امری موردپذیرش همه است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، «وسعت کشور، همسایگان متعدد، قرارگرفتن در مسیر ترانزیت شرق به غرب و شمال به جنوب» جزء ظرفیت‌های سرزمینی ایران است که در کنار ظرفیت‌های انسانی همچون «جمعیت جوان، تحصیل کرده و آماده کار» از جمله واقعیاتی است که همراه با «منابع طبیعی سرشار، ثروت‌های خدادادی زیرزمینی و زیرساخت‌های مهم ایجادشده» در سال‌های پس از جنگ تحمیلی «می‌تواند ایران را به کشوری پیشرفته تبدیل کند که هیچ‌گونه تحریمی بر آن اثر

نداشته باشد.» به تعبیر ایشان: «استفاده از این ظرفیت‌ها احتیاج به معجزه ندارد. بلکه مدیریتی قوی، دارای احساس مسئولیت، ضد فساد و دارای برنامه جامع اقتصادی می‌خواهد.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱/۱).

بنابراین، مسئولیت‌پذیری، فسادستیزی و برنامه داشتن، شاخص‌های مدیر قوی به‌شمار می‌رود. اما مهم‌تر از اینکه «مدیر قوی کیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟» که در ذیل عبارت فوق مشخص شده، نکته اساسی در اینجا پیوند و ربط وثیق میان مدیر قوی با انتخاب مردم است؛ یعنی مردم باید مدیر قوی را انتخاب نمایند. بنابراین، «مردمی‌بودن» که جزء یکی از مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی است خود به‌مثابه یکی از منابع قدرت ملی و در میدان معنایی ایران قوی، ظاهر می‌شود.

۵-۲. ملت قوی؛ پایه مردمی ایران قوی

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، قدرت و اقتدار یک ملت، لازمه نیل به اهداف والایی همچون آزادی و سعادت است. اقتدار ملی نیازمند ملت قوی است. ایشان با استفاده از مفاهیم متضاد (مخالف)، حوزه معنایی ملت قوی را مشخص می‌نماید: «یک ملت ضعیف، یک ملت تو سری‌خور، یک ملت وابسته و دنباله‌رو، ملتی که چشمش به دست و دهان دیگران است، نمی‌تواند خودش را به قله‌های آرمانی برساند.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۸/۸). اما در سوی مقابل ملت ضعیف، می‌توان شاخص‌های ملت قوی در گفتار آیت‌الله خامنه‌ای را دریافت؛ ملت قوی ملتی است که دچار انشقاق و تفرقه نباشد. قدرت ملی با اتفاق و اتحاد ملی به دست می‌آید. بنابراین، در نقطه مقابل اتحاد، «دودسته کردن و جدا کردن مردم» با شعارهای تفرقه‌انگیز است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، این امر «بر ضد منافع ملت ایران و بر ضد آرمان‌های ملت ایران است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷).

بدین ترتیب، اولاً، مردم از منابع قدرت ملی به‌شمار می‌روند؛ ثانیاً، آن مردمی که خود قوی باشند و نه هر مردمی. پس کیفیت مردم و به تعبیر دقیق‌تر کیفیت ملت^۱

۱. «ملت» امری انتزاعی است برخلاف «مردم» که مجموع افراد یک جامعه را شامل می‌شود. البته نظریه‌های مختلفی درباره ملت وجود دارد. با این حال، معمولاً در گفتار رهبران سیاسی و مذهبی این دو به جای هم به کار برده می‌شوند؛ چراکه مخاطب آنها عام است و از سوی دیگر در این گفتارها نوعی کنش‌ورزی رخ می‌دهد. لذا نباید تدقیق مفاهیم در این دست کنش‌های گفتاری را با ادبیات دقیق علمی مقایسه کرد.

مهم است؛ ثالثاً، ملت قوی، ملت متحد و دارای اتفاق است. البته در ادبیات علوم اجتماعی مقولاتی همچون «منش ملی»^۱ و «روحیه ملی» را هم می‌توان مورد توجه قرار داد. اگر بخواهیم شبکه معنایی را گسترش دهیم می‌توانیم در گفتار آیت‌الله خامنه‌ای نقش باور و اراده یک ملت در افزایش قدرت ملی را مدنظر قرار دهیم.

۳-۵. باور و روحیه توانستن [اعتماد به نفس] و ایران قوی

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، باور مسئولان کشور و مردم به توانستن [در رسیدن به اهداف] و خود را عاجز ندیدن و احساس در بن‌بست قرار نداشتن، یکی از پایه‌های اقتدار ملی است. البته منظور ایشان عدم غفلت از قدرت واقعی ایرانیان است و صراحتاً «توهم قدرت» و خیال‌پردازی‌های شوونیستی را رد می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای در اینجا نقش حکومت را کلیدی می‌داند: «این از جمله وظایف ماست؛ این جزء کارهایی است که دولت باید انجام دهد. موجبات اقتدار ملی جزء کارهایی است که مربوط به حکومت است و دستگاه‌های حکومتی باید انجام دهند.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۸/۸). لازمه باور به توانستن برای کشوری مثل ایران که در جبهه مخالف جریان اصلی نظام بین‌الملل (غرب‌محور) قرار دارد آن است که از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ایران قوی مبتنی بر اقتدار درون‌زا است. پس درون‌زا بودن قدرت در میدان معنایی ایران قوی جای می‌گیرد.

۴-۵. اقتدار درون‌زا و وحدت ملی

تکیه بر ظرفیت‌های داخلی همواره یکی از توصیه‌های راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان کشور بوده است: «چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر - [به آن‌ها باشد و] اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از این‌ها می‌شود خردمندانه بهره‌برداری کرد. این‌ها باید شناسایی بشوند ... در مناسبات بین‌المللی سهم هر کشوری به قدر قدرت درونی او است؛ هر مقداری که

1. National character

واقعاً در درون اقتدار داشته باشد، سهمش از مجموعه مناسبات بین‌المللی به همان نسبت بالاتر است؛ این را باید ما تأمین کنیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶).

تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر ضرورت توجه به منابع داخلی قدرت، ناشی از درک راهبردی ایشان از جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی و نسبت آن با نظام بین‌المللی کنونی است؛ چراکه ایشان ارزش‌های برخاسته از انقلاب اسلامی را در سطح جهانی و در تقابل با نظام ارزشی حاکم بر جهان غرب محور کنونی می‌بینند. این معنا را در گفتار آیت‌الله خامنه‌ای در جاهای متعددی و به بیان‌های مختلفی می‌توان دریافت:

«... اگر کسی خیال کند که ما می‌توانیم نظام جمهوری اسلامی با این معیارها و

با این مرزهای تعریف‌شده را داشته باشیم و درعین‌حال، قدرت‌های مسلط بر جهان - که نقطه مقابل این معیارهای ما هستند - سر جای خودشان بنشینند و نه به ما تعرضی بکنند، بلکه حتی به ما کمک بکنند، این انتظار، انتظار کاملاً ناسنجیده‌ای است؛ اصلاً انتظارش را نباید داشت. ما با معیار «عدالت بین‌المللی»، «گرایش به معنویت»، «کرامت‌دادن به نوع انسان» و «گرایش به دین خدا و به معنویت و اخلاق معنوی»، سر کار آمده‌ایم؛ ما با معیار تن ندادن به قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی سیطره‌جویان عالم سرکار آمده‌ایم؛ این‌ها، معیارهای جمهوری اسلامی است. بدیهی است که وقتی شما بنایتان مواجهه با زورگویی است، زورگوهای عالم با شما سر سازش نخواهند داشت؛ و این، چالش ایجاد می‌کند. این چالش از اول انقلاب بوده، تا الان هم هست، بعد از این هم تا وقتی که مایوس نشده‌اند، وجود دارد. باید خودتان و این کشور را به جایی برسانید که مایوس بشوند. آن وقت هم چالش‌ها باقی خواهد بود؛ منتها با تأثیرات کمتری. بنابراین، همیشه خودتان را در میدان چالش و مواجهه با افزون‌طلبان بدانید و با این نگاه مسائل خودتان را دنبال کنید.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۱۲/۸).

مورد فوق اگرچه طولانی است اما به‌درستی منطق نگاه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای در بحث ایستادگی (نشانه مقاومت) و خوداتکایی (قدرت درون‌زا) در گفتار ایشان را نشان می‌دهد. اما یکی از لوازم اقتدار درون‌زا، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، «وحدت ملی» است. به بیان آیت‌الله خامنه‌ای :

«... مسئولان کشور و آحاد مردم، با وحدت کلمه وارد میدان کار شوند. ما باید با هم باشیم؛ همه باید با هم باشند و به‌سوی یک‌جهت حرکت کنند تا بتوانند کار انجام دهند. با اختلاف کلمه، کاری صورت نمی‌گیرد، این شرط اول هر پیروزی و موفقیت است. ببینید کشورهایی که دچار اختلاف شدند، بر سرشان چه آمد.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲).

بدین ترتیب، با رسیدن به وحدت ملی، شرط لازم برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های داخلی و حرکت در راستای راهبرد ایران قوی فراهم می‌گردد. لذا نیاز به مؤلفه‌هایی هست که به‌عنوان شرط کافی مطرح می‌شوند. در اینجا دو مؤلفه کلیدی وجود دارد: اقتصاد و علم. البته به‌تبع و در پیوند با این دو، مضامین دیگری هم مطرح می‌گردد.

۵-۵. اقتصاد مقاومتی

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نقطه ضعف اصلی ما در حوزه اقتصاد است و باید با برطرف کردن این نقطه ضعف از طریق راهبرد «اقتصاد مقاومتی» بر قدرت و اقتدار کشور بیفزاییم و دشمن را از طمع‌ورزی به ایران ناامید سازیم. به بیان ایشان: «امروز یکی از چیزهایی که از لحاظ عملی مهم است، مسئله اقتصاد است؛ دشمن روی اقتصاد کشور ما متمرکز شده. از نظر دشمن، اقتصاد کشور یک نقطه ضعیفی است که [او] می‌تواند با تکیه بر آن نقطه ضعف، مقاصد سوء خودش را در مورد کشور عزیز ما و در مورد جمهوری اسلامی اعمال کند؛ باید روی اقتصاد [کار کرد]. من گفتم اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم می‌کند و استحکام کشور را در مقابل تکانه‌های خارجی افزایش می‌دهد؛ این معنای اقتصاد مقاومتی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۸/۲۶).

نشانه کانونی اقتصاد مقاومتی خود توانسته میدان معنایی مهمی را در حوزه اقتدار ملی پدید بیاورد که حول آن کلمات کلیدی دیگری قابل دریافت است. البته به‌طور کلی، «مقاومت» در برابر نظام سلطه در عرصه‌های مختلف، اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... یکی از نشانه‌های کلیدی و بلکه کانونی در گفتار آیت‌الله خامنه‌ای به‌شمار می‌رود. اما این بحث می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر باشد.

مقاومت هرچند هم بر اراده و روحیه ملی مبتنی است و هم بر ظرفیت‌های داخلی، اما نیاز به ابزار مهمی دارد که آن، علم است. مقوله «علم» یکی از مهم‌ترین

مؤلفه‌ها و ابزار قدرت ملی است که به‌شدت مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای قرار داشته است.

۵-۶. علم و ایران قوی

کلیدواژه «علم» در گفتار آیت‌الله خامنه‌ای نشانه‌ای پُربسامد به‌شمار می‌رود که در بسیاری از بیاناتشان به‌خصوص با نخبگان علمی و دانشگاهیان همواره مورد تأکید بوده است. به بیان ایشان:

«علم ابزار قدرت است [و از نظر تاریخی] خود غربی‌ها با علم به قدرت رسیدند از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه سیاسی و جذب ثروت ملت‌ها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت بازتولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آن‌ها می‌دانند که علم چقدر در قدرت‌بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد، لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آن‌ها مایل‌اند سلطه‌پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که برو برگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد.» (خامنه‌ی، بیانات، ۱/۱۳۸۳/۴).

ایشان در همان سخنان فوق، علاوه بر سلطه علمی، سلطه در دو عرصه فرهنگی و اقتصادی را هم موجب بازتولید روابط کنونی در عالم می‌دانند. در واقع، علم موجب توانایی و سلطه است و حفظ رابطه سلطه‌آمیز کنونی و نیز برهم‌زدن آن، بستگی بالایی به توانایی علمی کشورها دارد. مقصود ایشان از علم شامل همه رشته‌ها و شاخه‌های کنونی است. همچنین لازمه توجه به علم توجه به نخبگان علمی و نهاد دانشگاه است (خامنه‌ی، بیانات، ۱۴/۷/۱۳۸۹).

اما در عرصه فرهنگی وجه ممیز نظام جمهوری اسلامی از سایر نظام‌های سیاسی رایج توجه به مقوله اخلاق و معنویت است. علم بدون اخلاق و معنویت هرچند می‌تواند سلطه‌ساز باشد و به قدرت بینجامد، اما خروجی آن در تعارض با نظام معنایی اسلامی خواهد بود. اخلاق در اینجا مقوله‌ای عام است؛ با این حال، ابتدای آن بر دین اسلام و سازواری گزاره‌های اخلاق اجتماعی و سیاسی با آموزه‌های اسلامی (اخلاق

اسلامی) امری مفروض به‌شمار می‌رود. بنابراین، وجه اخلاقی قدرت هم در میدان معنایی ایران قوی جای می‌گیرد.

۵-۷. اخلاق، ایمان و ایران قوی

هرچند اخلاق و ایمان دو مقوله مجزا به‌شمار می‌روند اما از آنجاکه پابندی به اصول اخلاقی بر باور به یک نظام ارزشی مبتنی است، در فرهنگ و نظام معنایی اسلامی، نوعی درهم‌تنیدگی و به‌هم‌پیوستگی معنایی (حوزه معنایی) میان مفاهیم و واژگان اخلاقی و دینی وجود دارد. بنابراین، در اینجا هر دو نشانه را می‌توان در نسبت با هم نگریست. به باور آیت‌الله خامنه‌ای ما همچون عرصه علمی در عرصه اخلاقی هم باید پیشرو و پیشتاز باشیم. به بیان ایشان:

«ما باید در زمینه اخلاق دچار عقب‌ماندگی نشویم. رفتارهای اجتماعی، انضباط، وجدان کاری، قانون‌گرایی و روح دین‌داری - که بعضی آدم‌های بی‌انصاف، روح دین‌داری جوان‌های ما را در معرض تطاول قرار دادند و به نام حرف‌های بی‌محتوا و بی‌منطق و به نام آزادی، دستخوش غارت کردند - از پایه‌های اقتدار است.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۸/۸).

همان‌طور که گفته شد ربط وثیق و ارتباط عمیقی میان رفتارهای اخلاقی و ایمان و دین وجود دارد. هم در «زبان» دینی و اسلامی و هم در «گفتار» آیت‌الله خامنه‌ای، باور به معنای ایمان به خدا سبب شکل‌گیری امت اسلامی است که در صورت استفاده از آن، سبب برتری امت اسلامی می‌شود. ایشان با استناد به آیه ۱۳۹ آل عمران^۱ و آیه ۳۵ سوره محمد^۲، به عبارت «و انتم الاعلون» استناد می‌جویند و ایمان را موجب امتیاز و برتری امت اسلامی برمی‌شمرند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۱۰/۲۵). بدین ترتیب، نشانه ایمان هم به‌عنوان کلمه‌ای کلیدی در میدان معنایی ایران قوی جای می‌گیرد. آیت‌الله خامنه‌ای نسبت مقوله ایمان با قدرت را در یک رابطه هم‌ارز با قدرت نظامی مطرح می‌نمایند:

«...ملت ایران امروز مجهزند در مقابل زورگویان عالم، لکن تکیه [فقط] به ابزار نظامی نیست؛ ابزار نظامی آن وقتی فایده می‌بخشد که متکی باشد به همان ایمان و

۱. وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

۲. فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ.

غیرت دینی؛ آن وقت است که ابزار نظامی اثر می‌کند، کارگشایی می‌کند. این را امروز ما در مقابل جبهه وسیع دشمن همیشه باید به یاد داشته باشیم؛ اینکه خدای متعال می‌فرماید «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۲۴۹)، مصداقش همین جا است؛ گاهی یک فئه قلیل بر یک جبهه بسیار وسیع و گسترده، به قدرت الهی پیروز می‌شود وقتی که متکی باشد به این ایمان و غیرت دینی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یک رهبر مذهبی - سیاسی با استفاده از «زبان» دینی در جاهای متعددی مقوله قدرت را در پیوند با کلمات و نشانه‌های دینی معنا می‌کنند. این دیدگاه از همان ابتدا در «گفتار» ایشان وجود داشته است. در واقع، نه فقط از منظر «هم‌زمانی»^۱، بلکه به صورت «در زبانی» هم می‌توان نشانه‌های دینی را در میدان‌های معنایی سیاسی مشاهده نمود. هرچند با فقره فوق این گزاره قابل تأیید است اما برای نشان دادن وجه در زمانی موضوع، یک نمونه دیگر از بیانات مربوط به اوایل دوره رهبری ایشان (سال ۱۳۷۴) در ادامه نقل می‌گردد:

«اقتدار ملی که در حقیقت قدرت دولت است، دو پایه دارد: یکی ارتباط واقعی با خدا؛ یعنی کار برای خدا انجام گیرد ... مسئولان می‌باید رابطه خودشان را با خدا خوب کنند. اگر ما دیدیم که اقتدار ملی وجود دارد و دولت توانایی کار دارد، باید کشف کنیم که این امر تأمین شده است. رکن دیگر توجه مردم است که: «من کان لله کان الله له»، «من اصلح ما بینه و بین الله اصلح الله ما بینه و بین الناس»؛ اگر انسان رابطه خود با خدا را درست کرد، خداوند رابطه او با مردم را درست خواهد کرد. همه این‌ها ارتباطها و مکانیسم‌های علمی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دارد.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۶/۸).



شکل ۱: میدان معنایی ایران قوی

نتیجه گیری

در اندیشه و گفتار متفکران سیاسی و مذهبی می‌توان کلماتی کلیدی را شناسایی کرد که حول آن‌ها، حوزه‌ها و میدان‌هایی معنایی شکل می‌گیرد. معنای مفاهیم در این میدان‌ها در تعامل و تعاطی دو وجه اجتماعی (زبان) و انفرادی (گفتار) اندیشه‌ورزان تعیین می‌شود. یکی از راه‌های فهم کلمات کلیدی در گفتار اندیشمندان سیاسی، بررسی فراوانی و بسامد واژگان است. در گفتار آیت‌الله خامنه‌ای از همان ابتدا همواره دغدغه قدرت ملی وجود داشته است. با این حال، در سال‌های اخیر، نشانه «ایران قوی» در بیانات ایشان پُر تکرار و پُر بسامد شده است به طوری که در اکثر سخنانشان، چه در دیدار با اقشار مختلف مردم و چه در دیدار با مسئولان کشور، به ابعاد مختلف ایران قوی پرداخته‌اند. در این مقاله تلاش شد فارغ از علل و دلایل توجه ایشان به این مقوله، با نگاهی نشانه‌شناسانه و معناشناسانه، کلمات کلیدی در میدان ایران قوی را به مثابه مؤلفه‌های قدرت ملی در گفتار و منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا، توجه به ظرفیت‌های داخلی در کنار مدیر قوی، ملت قوی باورمند به توانستن و برخوردار از روحیه اعتماد به نفس ملی، اقتدار درون‌زا و وحدت ملی، همراه با علم معطوف به اخلاق و ایمان و معنویت، معنا بخش به قدرت ملی ایران اسلامی در گفتار آیت‌الله خامنه‌ای خواهد بود.

فهرست منابع

الف: منابع فارسی

- قرآن کریم
- ایزوتسو، توشی‌هیکو (۱۳۸۹). *مفهوم ایمان در کلام اسلامی*. ترجمه زهرا پورسینا. تهران: سروش.
- ایزوتسو، توشی‌هیکو (۱۳۸۸). *خدا و انسان در قرآن*. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پاکتچی، احمد (بی‌تا). *درس‌گفتارهای معناشناسی*. وبلاگ تحقیقات علوم قرآن و حدیث. <http://tahqiqat.blogfa.com>
- پاکتچی، احمد (پاییز ۱۳۸۷). *آشنایی با مکاتب معناشناسی معاصر*. نامه پژوهش فرهنگی. سال ۹. شماره ۱۳.
- پورمنافی، ابوالفضل؛ دعاگویان، داوود؛ سهرابی، محمد (پاییز ۱۳۹۷). *بازشناسی مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی و قدرت ملی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای*. مجله راهبرد. سال ۲۷. شماره ۸۸.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱-۱۳۷۴). *بیانات، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*. قابل دسترسی در وبگاه مؤسسه به آدرس ذیل: <https://farsi.khamenei.ir/speech>
- دو سوسور، فردیناند (۱۳۷۸). *درس‌های زبان‌شناسی همگانی*، ترجمه نازیلا خلخالی. تهران: فرزانه روز.
- دینه‌سن، آنه ماری (۱۳۸۰). *درآمدی بر نشانه‌شناسی*. ترجمه مظفر قهرمان. اصفهان: پرسش.
- قنبری، سمیه؛ آذرشب، محمدتقی؛ موسوی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۵). *استحکام درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای؛ با تأکید بر مولفه‌های دفاعی-امنیتی*، مجله پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. شماره ۲۱.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران: سمت.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۰). *موانع نشانه‌شناختی گفتگوی تمدن‌ها*. تهران: هرمس.
- نیکنام، خسرو؛ جعفری‌نژاد، مسعود؛ ملائکه، سیدحسین (۱۴۰۱). *بررسی شاخص‌های اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای*، ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال ۵، شماره ۱۱.

- ہالستی، کی.جی (۱۳۸۰). *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*. ترجمہ بہرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری. تهران: وزارت امور خارجه.

ب: منابع انگلیسی

- Brinkerhoff, Derick W, (2016). "State Fragility, International Development Policy, and Global Responses", *International Development Working Paper*, New York: Oxford University Press.
- Brown, C. & Ainley, Kirsten. (2005). *Understanding international relations*. Third Edition. New York: PALGRAVE MACMILLAN.
- Renwick, Alan and Swinburn, Ian, *Basic Political Concepts*, Hutchinson, 1987.

